

## سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی

حسین قاضی‌خانی\*

### چکیده

مسئله لغزش مالی در میان کارگزاران حکومتی امری است که در گذر تاریخ جوامع مختلف بدان مبتلا بوده‌اند. بنابراین شایسته است که حاکمان چاره‌ای برای آن اندیشیده تا آسیب‌زایی آن را مدیریت نمایند. از آنجاکه کارگزاران حکومت علوی نیز از این امر به دور نبوده‌اند به سبب جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در نظام اندیشه‌ای امامیه و الگوگیری از رفتار ایشان، شیوه مواجهه حضرت با این مسئله به‌عنوان پرسش این جستار مورد واکاوی قرار گرفته است. در بررسی تاریخی داده‌های اسنادی منابع کهن، اهتمام امام علیه السلام در پیشگیری بر اموری بسان شایسته‌گزینی، عنایت به حقوق کافی، ارزیابی نامحسوس و ... بوده و امام علیه السلام به سادگی از اخبار لغزش مالی کارگزارانش چشم نمی‌پوشید. در استقراء و بررسی لغزش‌های مالی روی داده، از راه‌کارهای مورد استفاده حضرت نیز می‌توان به اطلاع‌رسانی خیرخواهانه، بررسی اخبار لغزش مالی، بازنگاه‌داشتن مسیر اصلاح، پیگیری و بازگرداندن اموال و مجازات اشاره داشت. اما نکته اصلی آن است که در پیمودن تمامی این مراحل اهتمام اصلی امام علیه السلام بر موعظه نیکو و اصلاح درونی کارگزار خاطی بوده است.

### واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، لغزش مالی، کارگزاران، خیانت در بیت‌المال، سیره.

### طرح مسئله

بی‌شک کارگزاران - به‌عنوان مجری سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمان - نقشی اساسی در محقق‌شدن باورداشت‌های یک نظام ایفا می‌کنند. در این میان به‌دلیل جایگاه اجرایی و فرارگرفتن در سلسله مراتب قدرت، لغزش‌گاه‌هایی ایشان را به چالش فرامی‌کشد. مسئله لغزش مالی را می‌توان در شمار مهم‌ترین و پربسامدترین لغزش‌گاه‌های فراروی کارگزاران نظام‌های حکومتی دانست. هرچند که در میدان عمل، به دلائلی شاید نتوان به حذف این امر امید داشت اما به سبب آسیب‌زایی فراوان این لغزش و پیامدهایی که در بعد اقتصادی و اعتماد مردم نسبت به نظام حکومتی به همراه خواهد آورد، لازم است حکمرانان با اندیشیدن تمهیداتی، کارگزاران خود را در حد امکان از فروغلطیدن در این مسئله به دور دارند و به وقت لغزش، پیامدهای زیان‌آفرین آن را چاره کنند.

به‌دلیل جایگاه والای حکومت علوی در نظام اندیشه‌های اسلامی و شیعی، کاویدن شیوه مواجهه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با لغزش‌های مالی کارگزارانش در راستای ترسیم سیره مدیریتی ایشان - به جهت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروز - پرسشی شایسته پژوهش می‌نماید. پرسشی که برای پاسخ به آن می‌بایست در مطالعه‌ای تاریخی، با واکاوی داده‌های منابع کهن، سیره مدیریتی حضرت را به بررسی و تحلیل نشست.

### روش پژوهش

با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، در نخستین گام با بازخوانی داده‌های تاریخی دیرین نگاشته‌ها، اهتمام امام علی علیه السلام به امر پیشگیری از افتادن کارگزاران حکومت علوی به لغزش‌گاه‌های مالی بیان خواهد شد و در ادامه با استقرای لغزش‌های مالی بروز یافته توسط کارگزاران عصر علوی، به اقدامات عملی امام علی علیه السلام در مواجهه با لغزش‌ها پرداخته خواهد شد تا از این رهگذر سیره مدیریتی ایشان در مسئله لغزش مالی کارگزاران ترسیم گردد.

### پیشینه

مسئله خیانت مالی موضوعی نیست که از نگاه پژوهش‌گران تاریخ حکومت علوی به دور مانده باشد؛ لذا در آثار مختلفی این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. جواد سلیمانی در کتاب *ریزش‌خواری در حکومت امیرالمؤمنان* به هنگام سخن از خواصی که در یاری امام علی علیه السلام به کوتاهی و قصور دچار آمدند و علی‌اکبری در کتاب *سیاست‌های مالی امام علی علیه السلام* در بحث نصب کارگزاران امام علی علیه السلام به هنگام معرفی این افراد، اختصارگونه به خیانت مالی ایشان نیز اشاره داشته‌اند. اما از اینکه این لغزش مالی چگونه بوده است و امام چگونه در برابر آنها واکنش نشان داده است، سخنی در این آثار به میان نیست. در مقاله «نقش کارگزاران امام علی علیه السلام در تأمین امنیت اقتصادی» - که تحقیقی با رویکرد آماری است - در ضمن مباحث، موارد خیانت مالی به شیوه آماری ارائه گردیده است. همان‌گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید، نویسندگان (گل‌مکانی، وکیلی و ناظمیان‌فرد) با بیان آمار، درصد نشان‌دادن وفاداری و کارآمدی کارگزاران امام علی علیه السلام بوده‌اند و سخن آماری از لغزش مالی در کنار دیگر گونه‌های لغزش، امری تبعی است. تنها ذاکری در کتاب *سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین علیه السلام* به‌دلیل رویکرد شرح‌حال‌نگاری کارگزاران امام، شرح مبسوط‌تری از خیانت‌های مالی این افراد را بازتاب داده است. در مورد این اثر نیز باید گفت با آنکه به‌دلیل رویکرد حاکم بر آن، گزارش لغزش‌ها و برخورد امام آمده است اما از آنجا که مسئله این اثر بحث لغزش‌های مالی نبوده است لذا محور مطالعه نیز ترسیم چگونگی مواجهه حضرت با لغزش‌های مالی کارگزارانش نیست.

### گذری بر مفاهیم پژوهش

بدان‌روی که در این جستار سخن از سیره مدیریتی به میان است، پرداختن به این دو اصطلاح (سیره و مدیریت) امری لازم است. واژه «سیره» از ریشه «س ی ر» که بر حرکت و پیمودن دلالت دارد، به‌معنای طریقت و حالت آمده است.<sup>۱</sup>

۱. جوهری، *الصحاح*، ج ۲، ص ۶۹۱؛ ابن‌منظور، *لسان‌العرب*، ج ۸، ص ۳۸۹ - ۳۹۰؛ فیومی، *المصباح‌المعیر*، ج ۲، ص ۲۹۹.

طریقتی که نوع رفتار و دوام در آن لحاظ می‌گردد و می‌توان از آن تعبیر به شیوه و سبک رفتاری کرد. باید دانست که این معنا از سیره در روایات و اخبار تاریخی قابل رصد است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: هنگامی که قائم علیه السلام به پاخیزد، بر کدامین سیره و روش با مردم رفتار می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود: طبق سیره‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیش گرفت. در ادامه راوی می‌پرسد: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟ امام علیه السلام پاسخ می‌دهد: آنچه در جاهلیت بود را باطل کرد و در برخورد با مردم، روشی عادلانه داشت.<sup>۱</sup> همچنین امام حسین علیه السلام در سؤال از علت حرکت ضد یزید، عمل بر اساس سیره جد و پدر بزرگوارشان را مطرح می‌فرماید.<sup>۲</sup> واژه مدیریت نیز برگرفته از «د و ر» به معنای به حرکت درآوردن و گرداندن است.<sup>۳</sup> در اصطلاح این واژه را به معنای به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی و سازماندهی برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قبول تعریف کرده‌اند.<sup>۴</sup> باید دقت داشت مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.<sup>۵</sup>

ترسیم سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی مستلزم کاویدن داده‌های تاریخی دیرین‌نگاشته‌ها در دو امر است: نخست آنکه امام علی علیه السلام به هنگام انتخاب کارگزاران و همچنین در دوران خدمت ایشان، نسبت به احتمال فروغلطیدن آنان در لغزش‌های مالی به چه شاخصه‌های پیشگیرانه‌ای توجه داشته است و دیگر آنکه در زمان بروز لغزش مالی از جانب کارگزاران، امام علی علیه السلام به‌عنوان حاکم جامعه چه رفتاری را در پیش گرفته است؟ در مورد لغزش مالی نیز باید گفت هرگونه تصرف در اموال بیت‌المال که کارگزار حکومتی بر اساس آموزه‌های دین اسلام حق تصرف در آن را نداشته است در قلمرو داده‌ای این مطالعه تاریخی خواهد بود. خواه آنکه کارگزار اموال را به تصرف خود درآورده باشد یا زمینه استفاده یا واگذاری آن را به دیگری فراهم آورده باشد.

### جایگاه پیشگیری در سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی

اهمیت جایگاه و تقدم اجرایی پیشگیری بر مقابله، در مسئله لغزش مالی کارگزاران بر کسی پوشیده نیست لذا شایسته می‌نماید حاکمان در راستای صیانت کارگزاران خود از فروغلطیدن به چالش‌های مالی، به مسئله پیشگیری عنایت ویژه داشته باشند. امری که می‌بایست هم در زمان انتخاب کارگزار بدان توجه داشت و هم در ایام فعالیت او از آن غفلت نکرد. اهتمام امام علی علیه السلام به امر پیشگیری را می‌توان در محورهای ذیل رصد کرد:

#### ۱. شایسته‌گزینی

مهم‌ترین امر مورد توجه حضرت قبل از انتخاب کارگزاران، مسئله شایسته‌گزینی بوده است. انتخاب کارگزاران بر اساس شایستگی‌ها نه تنها احتمال فروافتادن در لغزش‌گاه‌های مالی توسط ایشان را می‌کاهد بلکه به هنگام بروز لغزش نیز می‌توان با تکیه بر همان شایستگی‌ها امید اصلاح و جبران گذشته را زنده نگاه داشت.

امام علیه السلام در عهدنامه خود به مالک‌اشتر، به هنگام سخن از ملاک‌های گزینش کارگزاران، شاخصه‌های شایسته‌گزینی را به اختصار بر وی گوشزد می‌نماید. آنجا که می‌نویسد: کارگزاران را پس از آزمایش به کار گمار ... برای کارگزاری، افراد باتجربه و باحیا را از خانواده‌ای صالح و پارسا که در مسلمانی قدمی پیشتر و سابقه خدمت دارند جستجو کن.<sup>۶</sup> باید دانست در این عبارت کوتاه، شاخصه‌های گزینش بر اساس آزمایش، تجربه‌محوری، باتقوایی و خداترسی، اصالت و پارسایی خانوادگی، سابقه دینی و توانمندی خدمتی، می‌تواند نشان از اهمیت این ملاک‌ها در نزد حضرت برای انتخاب کارگزاران باشد. در ادامه حضرت دلیل توجه داشتن به این مؤلفه‌ها را چنین بیان می‌کند: زیرا اخلاق چنین افرادی گرامی‌تر، آبروی‌شان محفوظ‌تر،

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶ ص ۱۵۴.

۲. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۵ ص ۲۱.

۳. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴ ص ۲۹۵.

۴. رضائیان، اصول مدیریت، ص ۶.

۵. همان، ص ۷.

۶. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱ ص ۳۶۱؛ ابن‌شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۷؛ نهج‌البلاغه، ن ۵۳.

طمع‌شان کمتر و عاقبت‌نگری‌شان فزون‌تر است.<sup>۱</sup> چنان‌چه از عبارت حضرت مشخص است، بخشی از این شایسته‌گزینی ناظر به طمع مالی و عاقبت‌نگری تحلیل شده است که در جهت امر لغزش مالی می‌تواند نشانگر توجه امام باشد.<sup>۲</sup>

## ۲. توجه دادن به بسترهای بروز لغزش مالی

از جمله رفتارهای ارشادی امام علی علیه السلام به کارگزاران، توجه دادن به بسترهای فروافتادن در لغزش‌های مالی بوده است. نمونه‌های بروز یافته در این محور بدین قرارند:

**الف) تبیین آموزه ساده‌زیستی به‌عنوان اصلی اولیه برای حکومت در اندیشه امام:** به‌دلیل دسترسی کارگزاران به اموال حکومتی، تمایل به بهره‌گیری از اموال و سبک زندگی اشرافی‌گری، نخستین لغزش‌گاهی است که فراروی ایشان قرار می‌گیرد. رعایت ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات مالی، اصلی اولیه در اندیشه‌های حکمرانی امام علی علیه السلام بوده است که افزون بر پایبندی خود بدان، رعایت آن از کارگزاران نیز طلب شده است. امام در مواجهه با رفتار برخی از کارگزاران که هنوز لغزش مالی از آنان سر نزده بود ولی رفتار در پیش گرفته شده می‌توانست به مسیر لغزش آنان منتهی باشد، به تبیین آموزه ساده‌زیستی بر ایشان می‌پرداخت.

زیاد بن ابیه از کارگزاران حکومت علوی در بصره بود که گاه - به‌عنوان جانشین عبدالله بن عباس در غیاب وی - عهده‌دار امور می‌شد.<sup>۳</sup> زیاد در شیوه زندگی به تجمل‌گرایی تمایل داشته است لذا در نامه‌های متعددی از امام به زیاد، مسئله ساده‌زیستی مورد تأکید قرار گرفته است. در یکی از این نامه‌ها آمده است: پس در مصرف مال زیاده‌روی مکن و میان‌رو باش. در امروز به یاد فردا باش و به اندازه نیازمندی خود از دارایی پس‌انداز نما و زیاده بر آن را جهت روز نیازمندیت پیش فرست.<sup>۴</sup> در ماجرای دیگر فرستاده‌ای از جانب حضرت برای دریافت اموال بصره به جانب زیاد می‌رود اما میان وی و زیاد نزاعی حاصل می‌آید و در بازگشت امام را از نوع رفتار زیاد باخبر می‌سازد. آنگاه امام دست به قلم می‌برد و در بخشی از نامه خود می‌نگارد: به من خبر رسید که تو از غذاهای رنگارنگ در یک روز استفاده می‌کنی و هر روز خود را با استعمال روغن می‌آرای. چه می‌شد اگر برای خدا روزهایی را روزه می‌گرفتی و مقداری از آنچه نزد توست صدقه می‌دادی که مورد حساب واقع می‌شد و غذایت را ساده و بدون خورش می‌خوردی زیرا که سادگی در زندگی شعار صالحان است.<sup>۵</sup> این‌که حضرت بر خود می‌بیند که کارگزار حکومت علوی را به ساده‌زیستی رهنمون شود با اینکه هزینه‌کرد این آراستگی و تجمل از اموال بیت‌المال نبوده و از مال شخصی کارگزار بوده است، می‌تواند نشان از جایگاه رعایت ساده‌زیستی توسط کارگزاران در نزد امام داشته باشد. عثمان بن حنیف دیگر کارگزاری است که از جانب حضرت به رعایت مثنی ساده‌زیستی رهنمون می‌شود. عثمان در آغازین ایام خلافت، حضرت والی بصره بود. روزی او را به سفره‌ای فراخواندند که اشراف بصره در کنار آن گرد آمده بودند و تهی‌دستان را بر این خوان گسترانیده شده از غذاهای رنگارنگ راهی نبود. چون امام از واقعه خبر یافت به عثمان نوشت: ای پسر حنیف به من خبر رسیده است تو را بر سفره‌ای فراخوانده‌اند و تو به سوی آن شتافته‌ای. خوردنی‌های رنگارنگ و نیکو برایت آورده‌اند و کاسه‌های بزرگ پی‌درپی برابر تو نهاده‌اند. گمان نمی‌کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان‌شان را به جفا رانده‌اند و توان‌گران‌شان را خوانده‌اند. آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که باید از او پیروی کند. بدان که پیشوای شما از دنیا به دو جامه فرسوده و از خوردنی‌ها به دو قرص نان بسنده کرده است.<sup>۶</sup>

اینکه امام عثمان را به پیروی از سیره ساده‌زیستی خود رهنمون می‌گردد، نشان از لزوم دقت در امر ساده‌زیستی کارگزاران است.

**ب) جلوگیری از انباشت اموال:** از آنجا که انباشت اموال نزد کارگزاران، می‌توانست زمینه‌ساز لغزش مالی گردد، لذا در

۱. همان؛ قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. برای آگاهی از شاخصه‌های گزینش کارگزاران: رک: علی‌اکبری، سیاست‌های مالی امام علی علیه السلام، ص ۱۳۰ - ۱۲۰.

۳. نهج البلاغه، ن ۲۰.

۴. همان، ن ۲۱.

۵. ابن‌ابی‌الحدیقه، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۹۶ - ۱۹۷.

۶. نهج البلاغه، ن ۴۵.

سیره امام علی علیه السلام توجه به هزینه کرد به موقع و عدم انباشت اموال، قابل رصد است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به ابن عباس - والی حضرت در بصره - می‌نویسد: «به آنچه از غلات مسلمانان و غنائم متعلق به ایشان است بنگر، پس آن را بین افرادی که نزد تو هستند تقسیم کن تا ایشان را بی‌نیاز سازی و باقی‌مانده آن را نزد ما بفرست تا میان کسانی که نزد ما هستند تقسیم کنیم.»<sup>۱</sup> مشابه این نامه را در مکاتبه امام با سلیمان بن صد خزاعی - والی امام در منطقه جبل<sup>۲</sup> - مشاهده می‌کنیم. امام به وی نیز می‌نگارد: «مقدار حقوق جمع‌شده نزد خود را به من اطلاع بده و پس از آن حق صاحبان سهم را پرداخت کن و باقی‌مانده آن را نزد ما بفرست تا میان افرادی که نزد ما هستند، تقسیم کنیم.»<sup>۳</sup> از این نامه‌ها به‌روشنی برمی‌آید که امام، کارگزاران خود را به بررسی اموال موجود در بیت‌المال و تقسیم آن فرمان می‌دهد و ایشان را موظف می‌سازد تا اضافی اموال را نزد خود نگاه ندارند، بلکه به دارالخلافه ارسال نمایند تا حضرت آن را به مصرف واقعی - میان مسلمانان - رساند.

ج) قطع طمع نزدیکان: از جمله آسیب‌هایی که کارگزاران حکومتی را به چالش می‌کشاند، طمع نزدیکان ایشان به قدرت و ثروت حاصل از آن سمت‌ها است. مسئله‌ای که در روزگار امیرالمؤمنین علیه السلام نیز - علی‌رغم تذکرات پیش‌گیرانه ایشان - برخی از کارگزاران بدان گرفتار آمدند. در عهدنامه حضرت به مالک اشتر این نگاه پیشگیرانه با این عبارات چهره نشان داده است. آنجا که حضرت به مالک نوشته است: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستم‌کاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان.»<sup>۴</sup>

### ۳. عنایت به حقوق مالی کارگزاران

از دیگر محورهای پیشگیرانه قابل رصد در رفتار امام علی علیه السلام نسبت به لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی، توجه به مسئله پرداخت مناسب حقوق مالی این افراد است.

زمانی که امام علی علیه السلام مخنف بن سلیم را به‌عنوان عامل جمع‌آوری صدقات و زکات برگزید، در نامه‌ای به وی چگونگی رفتار با مردم را در این باب گوش‌زد نمود. در بخشی از این نامه امام می‌نگارد: «در این صدقات برای تو حق و نصیبی معین است. اما تو شریکانی مانند فقرا، مساکین، بدهکاران، مجاهدین، در راه ماندگان، بندگان و الفت‌پذیران داری. ما حق تو را می‌دهیم، تو نیز حق ایشان را پرداخت نما.»<sup>۵</sup> امام در این نگاشته به کارگزار خود اطمینان می‌دهد که او را بابت زحمت فراروی حقی خواهد بود که حضرت پرداخت آن را تعهد می‌کند لذا او نیز دقت نماید تا وظیفه محوله را درست به انجام رساند چراکه افراد فراوانی در این اموال حق دارند که باید این اموال به آنها رسانیده شود. در بخشی از فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر نخی - هنگامی که وی را راهی مصر کرد - آمده است: «ارزش عمل و رنج هر کس را برای خودش بشناس و تلاش یکی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش او به اندازه رنجی که دیده و زحمتی که کشیده است، کوتاهی مکن. مبدا شرافت جایگاهی کسی باعث شود که تلاش اندک وی را بزرگ شماری و گمنامی مردی سبب گردد که کوشش سترک او را خرد به حساب آوری.»<sup>۶</sup> البته باید متذکر گردید که این سفارش حضرت تنها در توجه به پرداخت حقوق خلاصه نمی‌شود بلکه به اندیشه در میزان حقوق کارگزاران حکومتی نیز توجه شده است. در فقره دیگری از این فرمان، به هنگام سخن از انتخاب کارگزاران شایسته می‌فرماید: «سپس حقوق کافی به آنها بده زیرا این کار، آنان را در اصلاح خویش تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که در دست آنها است، بی‌نیاز می‌سازد. همچنین تو را حجتی خواهد بود در هنگامی که از دستورات سرپیچی کنند یا در امانت، خیانت ورزند.»<sup>۷</sup> در این فرمان‌ها توجه به دستمزد پرداختی به کارگزاران - برحسب

۱. منقری، وقعه صفین، ص ۱۰۶.

۲. منطقه‌ای بین واسط و نعمانیه بوده است. (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۰۳)

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۶.

۴. نهج البلاغه، ن ۵۳.

۵. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۵۲؛ نهج البلاغه، ن ۲۶.

۶. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۴؛ نهج البلاغه، ن ۵۳.

۷. ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۷؛ نهج البلاغه، ن ۵۳؛ قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۱.

تلاش و زحمت انجام شده - مطرح است. بدین معنا که در پرداخت حق الزحمه، حقوق باید مناسب با عمل انجام شده و فارغ از جایگاه اجتماعی و خاندانی افراد باشد. افزون بر اینکه پرداخت حقوق می‌بایست متناسب با جایگاه مسئولیتی و تلاش انجام شده برای به‌ثمر رسانیدن کار باشد، پاسخ‌گویی به نیاز اقتصادی کارگزار نیز باید در پرداخت حقوق ملاک قرار گیرد تا بستر اندیشیدن به خیانت مالی به جهت عدم درآمد مناسب برای مخارج زندگی بر وی مهیا نیاید.

#### ۴. نظارت نامحسوس

ارزش‌یابی و کنترل فعالیت‌های کارگزاران، ابزاری مهم در پیشگیری از لغزش مالی کارگزاران است. امام علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر در مورد گزینش کارگزاران، پس از بیان ملاک‌های گزینش و توجه‌دادن به وسعت رزق بر ایشان، می‌نگارد: ... زان پس کارهای آنان را زیر نظر گرفته و بررسی‌نما و چشم‌هایی راست‌گو و وفای‌پیشه بر ایشان بگمار. امام علی علیه السلام در ادامه این فرمان، دلیل آن را چنین بیان می‌دارد: زیرا مراقبت نهانی تو در کارهای‌شان، آنان را به رعایت امانت و مهربانی بر رعیت وامی‌دارد.<sup>۱</sup> این بخش از فرمان، حکایت‌گر آن است که پس از انتصاب کارگزاران هرچند شایسته، نباید ایشان به حال خود رها گردند بلکه حاکم می‌بایست اعمال و فعالیت‌های آنان را تحت‌نظر داشته‌باشد و با گماشتن افرادی راست‌کردار و قابل اطمینان، اطلاعات لازم را از رفتار کارگزاران خود به دست آورد تا قبل از فروافتادن در لغزش‌گاه‌ها ایشان را زندهار داده و در صورت بروز خطا به حسابرسی کشاند. چنان‌چه در موارد فراوانی - که خواهد آمد - امام با این ابزار، کارگزاران خود را از درغلطیدن در لغزش‌گاه مالی زندهار داد و خاطبان را به محاسبه فراخواند. شاهد عملی این توصیه نامه حضرت به کعب است: امام علی علیه السلام به کعب بن مالک - یکی از کارگزاران خود - نوشت: در راستای انجام اعمال محول شده، فردی را جانشین خود ساز و به همراه برخی از یارانت به جانب منطقه سواد<sup>۲</sup> برو. در آنجا از کارگزاران و عاملان اجرایی من که میان دجله و منطقه عذیب به فعالیت مشغول هستند، جستجو کن و در اعمال و رفتار ایشان بنگر. سپس از آنچه انجام داده‌ای مرا آگاه ساز.<sup>۳</sup> افزون بر نظارت‌های خصوصی، اهتمام حضرت به نظارت عموم مسلمانان بر رفتار کارگزاران نیز مطرح است. زمانی که ابوالأسود - مسئول بیت‌المال بصره - امام علیه السلام را از خیانت مالی حاکم بصره آگاه می‌سازد، امام علی علیه السلام در نامه‌ای به وی ضمن ارج نهادن به اطلاع‌رسانی خیرخواهانه ابوالأسود، انتظار چنین رفتاری از او را در ادامه نیز بیان می‌دارد.<sup>۴</sup>

#### امیرالمؤمنین در مواجهه با لغزش‌های مالی کارگزاران

کمین‌گاه لغزش مالی همواره کارگزاران حکومتی را به چالش فرامی‌خواند. علی‌رغم شایسته‌گزینی و رعایت مسائل پیشگیرانه هم‌چنان نمی‌توان به فرو نیفتادن کارگزاران در این دام، امید کامل داشت. از این‌رو حاکمان می‌بایست به هنگام مواجهه با این امر، به مدیریت آن اقدام نمایند. راهکارهای رصد شده از شیوه مواجهه امیرالمؤمنین با لغزش‌های مالی کارگزاران حکومت علوی را می‌توان براساس چیدمانی مرحله‌ای، چنین ارائه کرد:

##### ۱. اطلاع‌رسانی خیرخواهانه

سخن گفتن از خطر، نخستین راهکاری است که امام علی علیه السلام در راستای آگاه‌ساختن کارگزاری که در معرض اتهام مالی است، از آن سود جسته است. البته باید گفت که نشانه بارز این اطلاع‌رسانی، توجه‌دادن کارگزار به تقوای الهی و به دور نگاه‌داشتن خود از رفتارهای اتهام‌برانگیز است.

۱. همان؛ ابن شعبه، *تحف العقول*، ص ۱۳۷؛ *نهج البلاغه*، ن ۵۳.

۲. منطقه‌ای در عراق که از منطقه حلوان در جبل تا منطقه عذیب در قادسیه گسترده بوده است. (ابن فقیه، *البلدان*، ص ۳۷۷)

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۴.

۴. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

یزید بن قیس همدانی ارجحی از جانب امام، زمانی مسئولیت حکمرانی بر مدائن<sup>۱</sup> و زمانی والی‌گری اصفهان را بر عهده داشت.<sup>۲</sup> یزید در ارسال خراج منطقه خود تامل ورزید. امام در نامه‌ای به وی نوشت: «تو در پرداخت و فرستادن خراج تأخیر داشتی. من علت آن را نمی‌دانم، اما تو را به تقوای الهی دعوت می‌نمایم و تو را بر حذر می‌دارم از اینکه اجر و پاداش خویش را ضایع نمایی و جهاد خود را با خیانت به مسلمانان باطل سازی.»<sup>۳</sup> زمانی که احتمال خیانت در بیت‌المال از جانب نعمان بن عجلان - والی بحرین - چهره می‌نمایند، امام علی علیه السلام در نامه‌ای وی را نسبت به مسیر در پیش گرفته شده زنهار می‌دهد و تلاش دارد تا با ارشاد وی، در صورت صحت خبر، مسیر بازگشت و اصلاح رفتار را فراهم آورد.<sup>۴</sup> نعمان از بنی‌زریق و در شمار انصار بود. وی در سرودن شعر مهارت داشت و در میان قوم خود از احترام و جایگاه اجتماعی برخوردار بود.<sup>۵</sup> این نامه توسط بلاذری در *انساب‌الاشرف* و یعقوبی در *تاریخ‌الیعقوبی* بازنگارش یافته است. بازنگارش بلاذری از این نامه چنین است: «کسی که امانت را ادا نماید و حق الهی را در نهان و آشکار مراعات نماید و نفس و دین خود را از خیانت به دور دارد؛ سزاوار است به اینکه خداوند بر درجات وی بیفزاید و برترین ثواب نیکوکاران را نصیب وی گرداند و کسی که نفس و دین خود را از خیانت کناره ندهد، به خود در دنیا ضرر رسانیده است و خود را در آخرت گرفتار ساخته است. پس از خدا در خلوت و جلوت پروا نما و از غافلان از آخرت خود مباش. همانا تو از خاندانی شایسته در امر تقوی، پرهیزگاری و ادای امانت می‌باشی. پس رفتارت به گونه‌ای باشد که من نسبت به تو ظن نیکو داشته باشم.»<sup>۶</sup> اما یعقوبی نامه را چنین بازنگارش کرده است: «کسی که نسبت به امانت کوتاهی کند و در خیانت رغبت نشان دهد و نفس و دین خود را پاکیزه ننماید، او به خود در دنیا ضرر رسانیده است و آنچه بعدها بدان گرفتار می‌آید، تلخ‌تر و بادوام‌تر و بدتر و طولانی‌تر خواهد بود. پس از خدا بترس! تو از قومی هستی که دارای شایستگی هستند، رفتارت به گونه‌ای باشد که من نسبت به تو ظن نیکو داشته باشم و از آنچه به من خبر رسیده است، اگر واقعیت باشد، برگرد و نظر مرا درباره خودت تغییر مده. خراج منطقه‌ات را بررسی کرده، برای من بنویس تا رأی خود را برایت اعلام کنم.»<sup>۷</sup> بازنگارش بلاذری با فضای ارشادی و باز نگاه‌داشتن مسیر برای جبران خیانت احتمالی، هم‌سوئی بیشتری دارد؛ در حالی که در متن یعقوبی به نوعی خیانت روی‌داده، مسلم فرض شده است و حضرت در صدد حسابرسی می‌باشند.

از آنجاکه امام علاوه بر حاکم سیاسی جامعه، رهبری مذهبی و هدایت مردمان به سعادت اخروی را نیز عهده‌دار است، در نخستین گام، کارگزار خود را به اتهامی که بدان گرفتار آمده است، توجه می‌دهد و ضمن این اطلاع‌رسانی بسان پدری دلسوز با بهره‌گیری از فریضه نهی از منکر، کارگزارش را از فروافتادن در لغزش نسبت به اموال مسلمین زنهار می‌دهد. شایان تذکر آنکه این راهکار در برون‌رفت از چالش، کارایی خود را نشان داده است. در مورد یزید بن قیس و نعمان بن عجلان، عدم پیگیری اتهام لغزش مالی آنها از جانب امام علی علیه السلام نشانگر آن است که راهنمایی خیرخواهانه امام، ایشان را متوجه اتهام نموده است و آنها با اصلاح رفتار از قلمرو اتهام بیرون شده‌اند.

## ۲. بررسی اخبار لغزش مالی کارگزاران

از داده‌های تاریخی در شیوه مواجهه امام علی علیه السلام با اتهامات مالی کارگزارانش بدست می‌آید که حضرت از اخبار اتهامات مالی به سادگی گذر نکرده و به بررسی آنها اهتمام داشته است.

در نامه‌ای از حضرت خطاب به زیاد بن ابیه آمده است: «همانا صادقانه به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر به من گزارش رسد که تو در بیت‌المال به چیز اندک یا زیاد خیانت کرده باشی بر تو سخت خواهیم گرفت؛ چنان سخت‌گیری‌ای که تو را

۱. دینوری، *الاخبار الطوال*، ص ۱۵۳.

۲. طبری، *تاریخ الأمم و الملوك*، ج ۵، ص ۶۵؛ طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۸۶.

۳. بلاذری، *انساب‌الاشرف*، ج ۲، ص ۱۶۰؛ یعقوبی، *تاریخ‌الیعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۰.

۴. همان، ص ۲۰۱؛ بلاذری، *انساب‌الاشرف*، ج ۲، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

۵. ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۵۰۱.

۶. بلاذری، *انساب‌الاشرف*، ج ۲، ص ۱۵۹.

۷. یعقوبی، *تاریخ‌الیعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۱.

کم‌مایه، گران‌پشت و ذلیل و خوار گرداند»<sup>۱</sup>. زیاد در این زمان کارگزاری فارس را عهده‌دار بود.<sup>۲</sup> از گزارش بلاذری مشخص می‌گردد که حضرت فرستاده‌ای را جهت تحویل خراج منطقه به نزد او گسیل می‌دارد. زیاد بخشی از خراج را تحویل می‌دهد و در مورد مابقی آن به فرستاده اظهار می‌دارد: گروه خاصی از مردمان منطقه (اکراد) در دادن خراج تعلل ورزیده‌اند اما من تلاش دارم تا خراج را از ایشان بستانم، تو این مطلب را از امیرمؤمنان پوشیده‌دار، مبادا که مرا در کوتاهی نسبت به جمع‌آوری خراج مؤاخذه فرماید.<sup>۳</sup> در نقل یعقوبی نیز کسری خراج از جانب زیاد به فتنه اکراد منطقه و از بین رفتن اموال منتسب شده است که امام این ادعا را نپذیرفته و از او فرستادن خراج را طلب می‌کند.<sup>۴</sup> این ماجرا حکایت‌گر آن است که امام نسبت به مسئله لغزش مالی کارگزارانش حساس بوده است.

داده‌های تاریخی در این بررسی‌ها را می‌توان این‌گونه تقسیم کرد:

**الف) بررسی و رفع اتهام:** در مواردی ممکن است اخبار حاصله در خیانت افراد، اتهامی بیش نباشد و فرد گزارش‌دهنده در برداشت خود به اشتباه رفته باشد. از سوی دیگر منطق حکم می‌کند اخبار مرتبط با لغزش‌های مالی - به دلیل جایگاه آن - مورد توجه باشند و از نظر به دور داشته نشوند. بررسی در راستای کشف حقیقت راهکاری است که می‌بایست در این موارد از آن بهره گرفت.

از نامه امام به مصقله بن هبیره شیبانی که از جانب حکومت علوی والی‌گری «اردشیر خوره» (از شهرهای منطقه فارس تقریباً فیروزآباد کنونی) را عهده‌دار بود،<sup>۵</sup> برمی‌آید که وی به بخشش بیت‌المال بر خویشاوندانش متهم بوده است. در قسمتی از نامه حضرت آمده است: خبری از تو به من رسیده است که باور آن بر من گران است. تو اموال مسلمانان را در میان بستگان قسمت می‌کنی.<sup>۶</sup> امام علی (ع) در نامه خود بر این نکته تأکید دارند که خبر حاصله را مورد بررسی قرار خواهد داد تا حقیقت امر آشکار گردد.<sup>۷</sup> مصقله نیز در جواب حضرت می‌نویسد: «نامه امیرالمؤمنین به من رسید. پس بررسی فرما و هرگاه خبر درست باشد مرا پس از مجازات باشتاب از کار برکنار نما.» در ادامه وی به حضرت اطمینان می‌دهد از زمان پذیرش مسئولیتش تا کنون دینار و درهمی از بیت‌المال را به ناحق مصرف نساخته است. حضرت نیز پس از بررسی، وی را از اتهام وارده تبرئه می‌کند.<sup>۸</sup> منذر بن جارود عبدی نیز از کارگزاری امام است که به بذل و بخشش بیت‌المال به خویشان خود متهم بوده است. وی کارگزار منطقه اصطخر در فارس بوده است.<sup>۹</sup> در بخشی از نامه هفتاد و یکم نهج‌البلاغه خطاب به منذر آمده است: «به من گزارش رسید در تبعیت از هوای نفس دست بردار نیستی و ذخیره‌ای برای آخرت باقی نمی‌گذاری، با ویران کردن آخرت دنیایت را آباد می‌کنی و به قیمت جداشدن از دینت به خویشانت می‌پیوندی.»<sup>۱۰</sup> در گزارش بلاذری از نامه حضرت به منذر نیز مسئله بذل و بخشش بر اقوام، به وضوح چهره نشان می‌دهد. در بخشی که حضرت برای وی نگاشته است: «به من خبر رسیده ... دست خود را در مال خدا برای کسانی که از خویشانت به نزد تو می‌آیند باز گذاشته‌ای؛ گویی که این اموال میراث تو از پدر و مادرت می‌باشد...»<sup>۱۱</sup> وی بعد از فراخوانی به دارالخلافه از والی‌گری بر اصطخر عزل می‌گردد. آنگاه به جهت مشخص شدن اتهام حبس می‌گردد. پس از مدتی صعصعة بن صوحان از اصحاب خاص امام از حضرت طلب بخشش برای منذر نمود و اعلام داشت خود ضامن پرداخت‌های منذر به بستگانش خواهد بود. اما امام فرمود:

۱. نهج‌البلاغه، ن ۲۰.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۲.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۵. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۳.

۶. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۳.

۷. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰.

۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۹. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۳.

۱۰. نهج‌البلاغه، ن ۷۱.

۱۱. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۳.



منذر منکر آن است که چیزی از بیت‌المال را برگرفته باشد و در صورتی که بر این گفتار خود قسم یاد کند، او را آزاد خواهیم ساخت. سرانجام منذر قسم یاد کرد و آزاد گردید.<sup>۱</sup>

**ب) بررسی و طلب پاسخ‌گویی:** فراخوانی کارگزار به حسابرسی و پاسخ‌گو بودن به آنچه در قلمرو اختیاراتش به وقوع پیوسته است، دیگر راهکاری است که از جانب امام علی علیه السلام برای چهره‌نمایاندن حقیقت به کار گرفته شده است.

چون گزارش می‌رسد که ابن عباس در مسئولیت خود نسبت به اموال بصره کوتاهی داشته است، امام در نامه‌ای به وی چنین می‌نگارد: به من گزارش رسیده است که آنچه در اختیارت بوده برگرفته‌ای و آنچه در دستت بوده خورده‌ای. اکنون حساب دریافتی‌ها و هزینه‌کرد خویش را برای من بفرست.<sup>۲</sup> با آنکه ابن عباس در نامه‌ای به امام مدعی می‌گردد که آنچه به ایشان رسیده است، صحیح نمی‌باشد و او حساب اموال بصره را به دقت ثبت و ضبط نموده است و از حضرت تقاضا دارد تا به این‌گونه گزارش‌ها واقعی نهد،<sup>۳</sup> اما امام در پاسخ وی می‌نویسد: «برای من ممکن نیست تو را رها سازم مگر اینکه به اطلاع من برسانی آنچه از جزیه گرفته‌ای کجاست و آنچه خرج نموده‌ای در چه مورد بوده است.»<sup>۴</sup> در نمونه دیگر یزید بن حُجَّیة تیمی - والی ری و دَسْتَبی<sup>۵</sup> - با کسری در خراج مواجه شد. امیرالمؤمنین او را احضار کرد و کسری خراج را مطالبه نمود.<sup>۶</sup> همچنین آمده است که چون امام علی علیه السلام به خلافت رسید، اشعث بن قیس کندی را که از طرف عثمان بن عفان حاکم آذربایجان بود، مدت کوتاهی در مقامش ابقاء کرد.<sup>۷</sup> هرچند داده‌های منابع در مورد لغزش مالی اشعث سخن آشکاری ندارند اما از نامه ارسالی حضرت به وی که بلاذری و یعقوبی گزارش کرده‌اند، چنین برمی‌آید که اشعث نیز به لغزش مالی متهم بوده است. امام در بخشی از نامه خود به اشعث نگاشته است: «هرگاه فرستاده من نامه‌ام را به تو داد به سوی ما بیا و آنچه از اموال مسلمانان نزد تو می‌باشد را به همراه بیاور.»<sup>۸</sup> بلاذری بر آن است که امام به حسابرسی از اشعث پرداخت و اشعث که این شیوه رفتار را برنمی‌تابید به مکاتبه با معاویه روی آورد.<sup>۹</sup> دلیل ناراحتی اشعث را می‌توان در گزارش عدم پرداخت تعهد مالی مصقلة بن هبیره رصد کرد. در آنجا آمده است که مصقلة انتظار داشت همان‌گونه که عثمان تمام یا بخشی از خراج آذربایجان را بر اشعث می‌بخشیده است، امیرالمؤمنین نیز نسبت به مصقلة چنین روشی در پیش گیرد.<sup>۱۰</sup> به نظر می‌رسد اشعث نیز بر آن بوده است که حضرت به حسابرسی از وی اهتمام نداشته باشد.

### ۳. بازنگاه‌داشتن مسیر اصلاح

از جمله راهکارهای قابل رصد در شیوه مواجهه امیرالمؤمنین علیه السلام با لغزش‌های مالی کارگزاران، امید به توبه و جبران خطای انجام شده است. مسئله‌ای که می‌تواند در پیوند با وظیفه هدایت‌گری امام باشد. بدین معنا که بازگشت منتپهانه کارگزار به مسیر حقیقت و جبران اشتباهات به سبب ندای وجدان، بر امام خوشتر از آن است که با توسل به زور و اعمال قدرت این امر حاصل آید.

امید به اصلاح را می‌توان در این راهکار رصد کرد:

**الف) آگاهی دادن به جایگاه فردی و خاندانی:** یادآوری ویژگی‌ها، افتخارات و جایگاه فردی و خانوادگی افراد که باعث شده بود تا او شایستگی خدمت بیابد، راهکار دیگری است که در راستای مقابله با لغزش‌های مالی کارگزاران، امام علیه السلام از آن

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نهج البلاغه، ن ۴۰.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۷۰.

۴. همان؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۱۴۱ - ۱۴۲؛ ابن‌اعثم، الفتح، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. شهری بزرگ در میان ری و همدان بوده است. (ابن قتیبه، البلدان، ص ۵۵۶)

۶. تقفی، الغارات، ج ۲، ص ۵۲۶ - ۵۲۵؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۳، ص ۲۸۸ - ۲۸۷.

۷. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۵۹.

۸. همان؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۹. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۹۷ - ۲۹۶.

۱۰. همان، ص ۴۱۶؛ تقفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۶۵.

سود جسته است. باید دقت داشت که استفاده حضرت از این راهکار با توجه به ساختار قبیله‌ای جامعه آن عصر و تأثیر خوش‌نامی و بدنامی افراد بر تمامی اهل خاندان قابل درک است.

در نگارش نامه به نعمان بن عجلان، حضرت بر منتسب بودن وی به قبیله‌ای که نام نیکو از خود در مسئله ادای امانت به یادگار نهاده‌اند اشاره می‌کند تا وی را از مخدوش ساختن این افتخار خاندانی برحذر دارد، شاید به دلیل اهمیت و جایگاه افتخارات قبیله در اندیشه‌های عرب صدر اسلام، نعمان - در صورت قدم نهادن در مسیر خیانت - درصدد اصلاح برآید.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام در نامه‌ای به ابن عباس به هنگام مطرح بودن خیانت وی در بیت‌المال بصره می‌نگارد: من تو را در امانت (حکومت) خود شریک و انباز خویش قرار دادم و تو را محرم اسرار و مشاور ویژه خود ساختم و هیچ یک از خویشانم مطمئن‌تر از تو نزد من برای موافقت حق و پشتیبانی و یاری من و ادای امانت به من نبود. اما چون دیدی که روزگار بر عموزاده‌ها سخت گرفته است و دشمن بر وی برافروخته و خشمگین شده است و امانت مردم تباه گردیده و این امت بی‌مبالات و بی‌باک شده، پراکنده گردیده‌اند؛ به پسر عمویت پشت کردی.<sup>۲</sup> از این عبارات برمی‌آید که حضرت تلاش دارد تا با یادآوری و آگاهی دادن ابن عباس نسبت به جایگاه وی نزد امام و سخن از تلخ‌کامی‌های روی داده بر امام و شرایط جامعه اسلامی، این کارگزار خود را از ادامه مسیر در پیش گرفته شده بر حذر دارد.

**ب) یادآوری مجازات الهی:** سخن کردن از مجازات الهی با افراد باورمند به معاد، ابزاری است که می‌توان به آن امید داشت تا به جبران خطای خود اقدام نمایند.

پس از نامه‌های پیاپی، چون حضرت، ابن عباس را بر آن می‌یابد که اموال مورد تعرض بیت‌المال بصره را حق خود می‌بیند، در آخرین مرقومه خود پس از بیان شگفتی از رفتار در پیش گرفته شده توسط ابن عباس، چنین می‌نویسد: «صبر کن! گویا به انتها رسیده‌ای و بر پروردگارت عرضه شده‌ای و گویا به جایگاهی رسیده‌ای که آرزوی بازگشت داری و کسی که توبه را ضایع کرده نیز چنین آرزویی دارد؛ حال آنکه چنین نیست و آن هنگام زمان فرار نیست.»<sup>۳</sup> در این عبارات، حضرت زمان فرارسیدن بازخواست الهی را ترسیم می‌نماید. در ماجرای خیانت نعمان بن عجلان طبق - گزارش یعقوبی - امام برای کارگزارش چنین نوشته است: «کسی که نسبت به امانت کوتاهی کند و در خیانت رغبت نشان دهد و نفس و دین خود را پاکیزه ننماید، به خود در دنیا ضرر رسانیده است و آنچه بعدها بدان گرفتار می‌آید تلخ‌تر و بادوام‌تر و بدتر و طولانی‌تر خواهد بود. پس از خدا بترس!»<sup>۴</sup>

#### ۴. پیگیری بازگرداندن اموال

زمانی که مشخص گردد کارگزاری در هزینه‌کرد اموال به لغزش دچار آمده است، بازگرداندن اموال مورد انتظار است. در شیوه مواجهه امیرالمؤمنین علیه السلام با این امر مشاهده می‌گردد که حضرت تا بازگردانیده شدن این گونه اموال به بیت‌المال، پیگیری مسئله بوده‌اند.

با آنکه مصفلة بن هبیره از اتهام بخشش بیت‌المال بر خویشانش تبرئه گردید اما در ماجرای تعهد پرداخت هزینه آزادی اسیران، به کوتاهی در ادای دین و اندیشه بخشش ناصواب کشانیده شده است. آمده است که گروهی از اسرا را - به جهت رسانیدن به دارالخلافه - از منطقه حکومتی مصفله عبور می‌دادند. در دیدار مصفله از این اسیران، آنان خواهان ترحم و آزادی شدند. مصفله تحت تأثیر فضای روی داده، با عهده‌دار شدن پرداخت هزینه آزادی اسیران از دارایی خودش به بیت‌المال، آنان را خریداری کرد و سپس آزاد ساخت. اما در ادامه نسبت به پرداخت تعهد مالی صورت گرفته کوتاهی نمود. امیرالمؤمنین مبلغ ضمانت شده را از وی طلب کرد. مصفله بخشی از آن را پرداخت ولی در پرداخت بخش دیگر به مشکل دچار آمد.<sup>۵</sup>

۱. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۷۴؛ کشی، *رجال الکشی*، ص ۶۱ - ۶۰؛ *نهج البلاغه*، ن ۴۱.

۳. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۷۶؛ کشی، *رجال الکشی*، ص ۶۲؛ *نهج البلاغه*، ن ۴۱.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰۱.

۵. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۴۱۶؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوك*، ج ۵، ص ۱۳۰ - ۱۲۸؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ابن‌اعثم،

*الفتوح*، ج ۴، ص ۲۴۵ - ۲۴۴.

چون امیرالمؤمنین علیه السلام از ماجرا آگاهی یافت، در نامه‌ای مصقله را به پرداخت مال تعهد شده فرمان داد. مصقله بخشی از آن را پرداخت ولی در ادای کامل تعهد دچار مشکل شد. با آنکه آمده است امام بر آن بود تا برای پرداخت، مهلت لازم در اختیار مصقله قرار گیرد یا اینکه وی را در ادای دین یاری رساند اما مصقله با رفتن نزد معاویه این فرصت را از خود سلب کرد. امام در واکنش به این اقدام فرمود: او چونان بزرگان قصد بخشیدن کرد ولی بسان بردگان گریخت. مشکل اصلی این ماجرا آن بود که مصقله انتظار داشت تا امام علیه السلام به دلیل جایگاه اجتماعی وی، از بازپرداخت این تعهد چشم‌پوشی نماید همان‌گونه که عثمان و معاویه چنین روشی را داشتند. در حالی که این بر خلاف سیره امام علیه السلام بود. هرچند پس از این خیانت، مصقله تصمیم به بازگشت گرفت و امام نیز مسیر بازگشت را بر وی هموار ساخت اما توفیق حضور دوباره در کنار امام برایش حاصل نگردید.<sup>۱</sup> آمده است که پس از خیانت مصقله و فرار وی به جانب معاویه، امام علیه السلام خانه وی در کوفه را ویران ساخت.<sup>۲</sup> همچنین آمده است که یکی از کارگزاران امام به نام سعد بن عمرو انصاری در مسئله خراج دچار لغزش مالی گردید. امام علیه السلام وی را در مسجد به ستونی بست تا کسری خراج را جبران کرد.<sup>۳</sup> زمانی هم که ابن عباس پافشاری امام علیه السلام را در مورد حسابرسی اموال بصره مشاهده می‌کند، از بصره به مکه می‌گریزد تا در دسترس امام برای محاسبه قرار نداشته باشد.<sup>۴</sup>

## ۵. مجازات

کاربست راهکار مجازات - به‌عنوان آخرین مرحله از مقابله با کارگزاران خاطی در امر بیت‌المال - از جانب امیرالمؤمنان قابل رصد است.

در بخشی از فرمان به مالک اشتر امام آورده است:

اگر یکی از کارگزاران دست به خیانتی گشود و گزارش‌های فراهم‌شده از طریق ناظران آن را تأیید کرد، بدین گواه بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی بدو برسان و آنچه به‌دست آورده است را از وی بستان. آنگاه او را خوار گردان و نشان خیانت بر وی بنه و طوق بدنامی را بر گردنش انداز.<sup>۵</sup>

در نمونه عملی این فرمان در کتاب *دعائم الإسلام* آمده است:

ابن‌هرمه ناظر بازار اهواز بود. امام علیه السلام از خیانت‌های مالی وی آگاه گردید. امام به فرماندار خود در منطقه نوشت: ابن‌هرمه را از نظارت بر بازار برکنار دار. او را به مردم معرفی کن و به زندانش بیفکن و رسوایش ساز. در ادامه امام با تعیین مجازات تازیه‌ها برای وی ادامه می‌دهد: هرکس که شاهد اقامه کرد ابن‌هرمه از وی چیزی ستانده است از اموال ابن‌هرمه آن را بپرداز.<sup>۶</sup>

## نتیجه

در مطالعه تاریخی سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام با لغزش‌های مالی کارگزارانش، ابتدا حاصل می‌آید که حضرت به امر پیشگیری به‌عنوان اصلی اولیه توجه داشته است و در تلاش بوده است تا با شایسته‌گزینی، افراد واجد شرایط برای این امر به‌کار گماشته شوند. سپس در دوران فعالیت نیز با نظارت و رصد شیوه فعالیت و حکمرانی کارگزاران، در مواقع لزوم با رهنمودهای خیرخواهانه، ایشان را به اصلاح مسیر در پیش گرفته شده، رهنمون بوده است. ضمن آنکه مواردی مانند دستور

۱. بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ج ۲، ص ۴۱۹ - ۴۱۶؛ *ثقی، الغارات*، ج ۱، ص ۳۶۷ - ۳۶۳؛ *طبری، تاریخ الأمم و الملوك*، ج ۵، ص ۱۳۰ - ۱۲۸؛ *مسعودی، مروج الذهب*، ج ۲، ص ۴۰۸؛ *نهج‌البلاغه*، خطبه ۴۴؛ *ابن‌اعثم، الفتوح*، ج ۴، ص ۲۴۵ - ۲۴۴.
۲. ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۴۰۳؛ بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ج ۲، ص ۴۲۰.
۳. قاضی نعمان، *شرح الأخبار*، ج ۲، ص ۳۶۳.
۴. بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ج ۲، ص ۱۷۴؛ *نهج‌البلاغه*، ن ۴۱.
۵. قاضی نعمان، *دعائم الإسلام*، ج ۱، ص ۳۶۱؛ *ابن‌شعبه، تحف العقول*، ص ۱۳۷؛ *نهج‌البلاغه*، ن ۵۳.
۶. قاضی نعمان، *دعائم الإسلام*، ج ۲، ص ۵۳۲.

به عدم انباشت اموال نشان از آن دارد که حضرت علی علیه السلام به رفع بسترهای لغزش نیز اهتمام داشته است. به هنگام اتهام لغزش مالی، امام علیه السلام ابتدا در اطلاع‌رسانی موعظه‌گرایانه، کارگزار خود را از اتهام وارده آگاه می‌ساخت. در ادامه نیز بررسی صحت اتهام، مورد توجه حضرت بوده است. حسابرسی و فراخوانی کارگزار به مرکز خلافت، جهت مشخص شدن خطای روی داده، تلاش برای اصلاح درونی کارگزار، جبران مافات و پیگیری وضعیت اموال مورد تعرض، از اقدامات عملی و مرحله‌ای حضرت علی علیه السلام بوده است. نکته آخر آنکه انتظار می‌رود که این سیره رفتاری حضرت، با رویکردهای علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فرهنگی و ... مورد تبیین بیشتر قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن اعثم، الفتوح، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۶. ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۶ ق.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر - دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الفارات، قم، دار الكتاب، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج الفه و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر، ۱۹۹۵ م.
۱۳. دینوری، ابوحنیفه، الاخبار الطوال، قم، رضی، ۱۳۶۸.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، قم، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۳.
۱۶. علی اکبری، محمدحسین، سیاست‌های مالی امام علی علیه السلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، دار الرضی، بی تا.
۱۸. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۳۸۵.
۱۹. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال کشی، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. منقرئ، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قم، مکتبه آیت الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. نهج البلاغه، سیدرضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم، اهل بیت علیهم السلام، بی تا.